

روابط اقتصادی ایران و هند در عصر ساسانیان (۲۲۴ تا ۶۴۲م)

حسین محمدی^۱

مرتضی تهامی^۲

چکیده

میراث مشترک ایران و هند به قبل از مهاجرت آریایی‌ها و زمانی که این دو ملت در کنار هم و با یک زبان و مذهب زندگی می‌کردند، برمی‌گردد. روابط تجاری بین تمدن «موهنجودارو» و «هاراپا» در هند با تمدن‌های سیلک و شهر سوخته در ایران برقرار بوده‌است. در عصر ساسانی این روابط با حکومت‌های شمالی و جنوبی هند در کنار روابط فرهنگی و سیاسی گسترش یافت. بررسی روابط اقتصادی ساسانیان با هند و نتایج حاصل از آن مسأله این تحقیق است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بازنگری منابع کتابخانه‌ای، به دنبال پاسخ به این سؤال است که این روابط تحت تأثیر چه عواملی قرار داشته‌است و نتایج حاصل از آن چه بوده‌است؟ نتایج به‌دست‌آمده از نوشتار نشان می‌دهد، رقابت ساسانیان با روم در تجارت با غرب و شرق از یک طرف و رقابت‌های داخلی حکومت‌های شمال و جنوب هند از طرفی دیگر، تبادلات اقتصادی ساسانیان با شرق و به‌خصوص هند را به دوران طلایی رساند و نتایج حاصل از آن منجر به گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مسلمانان با هند بعد از سقوط ساسانیان شد. **واژه‌های کلیدی:** روابط اقتصادی، ساسانیان، هند، گوپتاها، چالوکیه.

۱- مقدمه

روابط بازرگانی و تبادل کالا بین ایران و هند با بومیان ساکن در این دو سرزمین بعد از مهاجرت آریاها همچنان ادامه می‌یابد. در عصر ودایی، روابط اقتصادی ساسانی و هند از زمان اردشیر بابکان آغاز شد و در زمان بهرام پنجم ادامه یافته و در حکومت‌های خسرو انوشیروان و

h.mohammadi@khu.ac.ir

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

خسروپرویز به اوج خود می‌رسد. در شاهنامه فردوسی از روابط ایران و هند و تبادلات کالا و همین‌طور اسامی آن‌ها بسیار روایت شده‌است. داستان رفت‌وآمد پادشاهان ساسانی به هند و ازدواج بهرام پنجم با دختر پادشاهی هندی به تفصیل تمام آمده‌است و مورخان مسلمان چون بلعمی و مسعودی و ثعالبی نیز آن را به‌اختصار و با تفاوت‌هایی نقل کرده‌اند که حاکی از برقراری روابط همه‌جانبه بین دو تمدن بوده‌است. عبور دو جاده بین‌المللی ابریشم و ادویه از ایران عامل اصلی تقویت روابط تجاری بوده و به‌واسطه آن روابط سیاسی و فرهنگی را نیز موجب می‌شد. با توسعه راه‌های دریایی از قرن ششم و رقابت روم و ساسانیان، این ساسانیان بودند که در این رقابت پیروز بودند و انحصار تجارت بین غرب و شرق را در دست خود داشته و بنادر خلیج فارس مرکز تبادلات تجاری با هند شد.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

با تشکیل شاهنشاهی ساسانی در ایران، صحنه سیاسی این منطقه دگرگون شد و با نهضتی که در آغاز عصر ساسانی در جهت ایجاد وحدت ملی و سیاسی پدید آمده بود، مرزهای ایران در شرق، بار دیگر تا کرانه‌های رود سند و دامنه‌های جبال هندوکش کشیده شد و شاهزادگان ساسانی که به حکمرانی آن نواحی منصوب و مأمور می‌شدند، عنوان شاه سگستان و تورستان و هند می‌گرفتند. از سوی دیگر، با پیدایش امپراتوری مقتدر گوپتا در هند از اوایل سده چهارم میلادی و گسترش قلمرو آنان در دوران شاهی چندره گوپتا و سمودره گوپتا، روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گسترش یافت. با توجه به رقابت ساسانیان با روم بر سر راه‌های تجاری بین غرب و شرق، موضوع روابط تجاری ایران و هند در عصر ساسانیان از اهمیت خاصی برخوردار است. مسأله اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مهم و نتایج حاصل از این روابط تجاری است.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

با نگاهی به موقعیت ایران عصر ساسانی و عبور دو جاده مهم تجاری یعنی ابریشم و ادویه از ایران و رقابت‌های ایشان با روم بر سر تسلط بر مسیرهای تجاری بین غرب و شرق و همین‌طور تداوم و تقویت روابط تجاری، سیاسی، فرهنگی مسلمانان بعد از سقوط ساسانیان اهمیت و ضرورت تحقیق را بیشتر نمایان می‌کند. بررسی و واکاوی کمیت و کیفیت روابط تجاری و نتایج حاصل از آن از اهداف پژوهش است.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بازنگری اطلاعات موجود کتابخانه‌ای و تحقیقات جدید است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

به‌منظور بررسی پیشینه تحقیق، مروری بر مقالات، کتب و سایر منابع صورت گرفته است که اهم آن‌ها به شرح زیر است: آذری در مقاله‌ای با عنوان «روابط ایران و هند» (۱۳۵۰)؛ بیانی در مقاله «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»؛ شهریار نقوی «ساسانیان و هند و پاکستان»؛ عباس مهرین شوشتری، با عنوان «علاقه فرهنگی آریای هند و ایران»؛ مشکور در مقاله «ایران و هند در پیش از اسلام» (۱۳۴۱)، تارا چند دانشمند هندی، در مقاله‌ای با عنوان «روابط هند و ایران» (۱۹۸۹) و مجتبیایی در یک سخنرانی با عنوان «ایران و هند در دوره ساسانی» (۱۳۵۸) به‌صورت اجمالی به موضوع می‌پردازد.

از جمله منابع هندی به زبان انگلیسی که به موضوع روابط به‌ویژه روابط تجاری پرداخته‌اند؛ عبارت‌اند از: «مهاجرت آریاها به شرق هند» (۱۹۳۱) نوشته بندارکار؛ اینوسترانسف «در مهاجرت پارس‌ها به هند» (۱۹۲۲)؛ جلد دوم از مجموعه یازده‌جلدی ماجومدار با عنوان «تاریخ عمومی هند» که توسط گروهی از دانشمندان به رشته تحریر درآمده است؛ جواهر لعل نهرو در کتاب «کشف هند» و کتاب «اوماد پراساد تاپلیال» (۱۹۷۹) با عنوان «نقش عوامل خارجی در جامعه هند باستان» و اوجها در کتاب «بررسی تاریخ نقش خارجی‌ها در هند باستان» (۱۹۶۸).

در این پژوهش به بررسی دقیق روابط تجاری با توجه به تحولات و رقابت‌های سیاسی منطقه و با استفاده از منابع جدیدتر هندی از قبیل ماجومدار و تاپیلا پرداخته که در پژوهش‌های پیشین کمتر به آن توجه شده است.

۲- روابط تجاری

روابط تجاری بین ایران و هند به قبل از مهاجرت آریاها برمی‌گردد و طبق اسناد باستان‌شناسی و آثار به‌جامانده از تمدن‌های موهنجودار و هاراپا در هند و تمدن سیلک و شهر سوخته در ایران، نشان از یک ارتباط همه‌جانبه قوی و مستحکم دارد. هند از دوران باستان در شبکه روابط بازرگانی جایگاه برجسته‌ای داشته است. از داستان‌های «جتاکا» (Jataka) که گویای اوضاع اجتماعی زمان بودا و پیش از او یعنی حدود سده پنجم پیش از میلاد است، چنین برمی‌آید که در آن زمان روابط بازرگانی بین هند و مصر از یک‌سو و شرق و جنوب‌شرقی آسیا از سوی دیگر،

بسیار گسترده بوده‌است. در شهر ممفیس مصر محله‌ای وجود داشته که محل سکونت بزرگان هندی بوده‌است. در شبکه روابط بازرگانی بین‌المللی که از چین و جاوه در شرق آسیا تا ونیز در جنوب اروپا گسترده بود، هند نقش گلوگاه جریان پول و کالا را در این نظام داشته‌است. عمده‌ترین کالاهایی که از هند یا از طریق هند به سوی غرب فرستاده می‌شد؛ عبارت بودند از: پارچه‌های لطیف و ظریف، انواع اسلحه و کارد و چاقو، انواع قالیچه زری‌بافت، عطر و ادویه و دارو، عاج و کالاهای ساخته‌شده از آن و غیره (نهر، ۱۳۶۱: ۱۰۱)؛ برای نمونه به استناد شاهنامه فردوسی، ایرانیان برای رویارویی با اسکندر مقدونی، اسلحه موردنیاز خود را از هند وارد می‌کردند (فردوسی، ۱۳۷۷: ۳۹۱). هند از راه خشکی دو دروازه به سوی آسیا داشت که هر دو تقریباً در منطقه کوهستانی شمال‌غرب این شبه‌قاره قرار داشتند. یکی از این دو دروازه به سوی کابل و دیگری دروازه قندهار بود که از این یکی، پیوسته رفت‌وآمد بین هند و خراسان و ایران صورت می‌گرفت.

سرزمین هند بر سر راه دو جاده تجارتي بین‌المللی قرار داشت؛ یکی «جاده ابریشم» به طول تقریبی هشت‌هزار کیلومتر چین را به آسیای مرکزی و غربی و روم مرتبط می‌ساخت. این جاده از «چانگ-آن» پایتخت امپراتوری «هان» شروع می‌شد و پس از عبور از مناطق پست کوه‌های جنوبی و ایالت «گن-جو» به «تورقان» ختم می‌شد. هودسن این راه‌ها را به چهار قسمت تقسیم می‌کند: ۱- از گن سو به پامیر، ۲- از پامیر تا مرو که تا نیمه اول قرن سوم میلادی تحت نظارت کوشانیان و سپس تحت سلطه ساسانیان قرار گرفت، ۳- از مرو تا سلوکیه (عراق کنونی) که تا ظهور اسلام تحت نظارت اشکانیان و ساسانیان بود، ۴- از سلوکیه به سرحدات امپراتور روم (آیرین، ۱۳۷۶: ۱۲۵) و دیگری «جاده ادویه» که از جنوب هند می‌گذشت که به کشورهای ساحل مدیترانه می‌پیوست و این هر دو جاده که از ایران عبور می‌کردند، وسیله مناسبی برای ارتباط همیشگی تجارت و رفت‌وآمد بین ایران و هند بودند. در دوران پادشاهی اشکانیان روابط بازرگانی گسترده‌ای بین دو کشور برقرار بود و در این زمان جاده ابریشم رونق شایانی داشت. ایران که در سر راه این جاده به جنوب اروپا قرار داشت. واسطه عمده و قدرتمندی در دادوستد ابریشم بود. پس از اینکه راه‌های خشکی از جمله ابریشم، به‌علت وجود راهزنی‌ها ناامن شد، راه‌های فرعی و دریایی از خلیج فارس بر کرانه‌های هند اهمیت پیدا کردند. ساسانیان را در آن زمان، شامل قسمت مهمی از هند و پنجاب تا دهلی و تا نزدیکی مالوه و سکستان و بلوچستان و کابل و قسمت اعظم

کوشان تا شهر پیشاور دانسته‌اند و از فرات تا مرو و از هرات تا سیستان تحت سیطره ساسانیان قرار داشت (Majumdar, 2001: 283). اردشیر پس از فتح پنجاب و دریافت باج، مجدداً به ایران بازمی‌گردد (Ojha, 1968: 140-4). گوئتز می‌گوید: در قرن سوم میلادی ساسانیان تا قلب هندوستان پیش‌راندند و حتی مالوه در هندوستان مرکزی را که بعدها یکی از مراکز قدرت گوپتا شد، اشغال کردند (گوئتز، ۱۳۳۶: ۱۵۴). در دوران بهرام پنجم روایات تاریخی به چشم می‌خورد که حکایت از روابط گسترده بین دو کشور دارد. بلعمی می‌نویسد: «بهرام وزیر را گفت: مرا آرزو است که از شهر هندوستان و سرزمین سند و هند و هرچه گرداگرد زمین مملکت من است، مرا بودی و من می‌خواهم که به زمین هندوستان اندر شوم تنها و آن شهر را بنگرم... (بلعمی، ۱۳۴۱: ۹۴۵). بهرام پنجم با همسری هندی که جهیزه‌اش به بندر دیبل (Daibul) در دلتای سند و قسمت‌های مجاور سند ارسال شد، مراجعت کرد و چون دیبل بندر دریایی ثروتمندی در دهانه سند بود، بهترین تفسیر این است که از کنار مکران تا بندر دیبل از نظر اقتصادی در انقیاد ایرانیان بوده‌است. ابن‌اثیر نیز بدان اشاره می‌کند و معتقد است که سرزمین دیبل و مکران و سند در زمان بهرام پنجم به ایران واگذار شد و آن محل تبدیل به یک بازار پررونق بین ایران و هند شد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ج ۲، ۴۷۳-۴۷۱).

امور اقتصادی هر دولت در هر دوره وابستگی مستقیم به وضعیت سیاسی آن حکومت دارد. شاهپور دوم (۳۱۰-۳۷۹ م) پسر هرمزد دوم پس از کشمکش‌های داخلی به حکومت رسید و هفتادسال حکومت کرد. در این زمان حکومت گوپتاها در هند تشکیل شد. اوایل حکومت او به حل و رفع مشکلات داخلی گذشت و شاهپور اعرابی را که مدتی بود یاغی شده و بحرین را تصاحب کرده بودند، سرکوب کرد. پس از سرکوب اعراب به جنگ با روم رفت. در این زمان امپراتور رم کنستانتین بود و دین مسیحیت را براساس فرمان میلان در سال ۳۲۳ میلادی به‌عنوان دین رسمی روم اعلام کرده بود و این امر به خصومت بین ایران و روم می‌افزود. در جنگی که شاپور دوم با رومی‌ها در سال ۳۵۰م انجام داد، ایرانی‌ها از فیل‌های هندی برای محاصره قلعه‌های رومی‌ها استفاده کردند و موفقیت‌هایی به‌دست آوردند (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۲۹۸).

با توجه به اینکه امپراتور ساسانیان قدرت و استحکام بالایی داشتند، توانسته بودند در امور تجارتی با همسایگان خود با قدرت عمل کنند و در آن دوره براساس اسناد و مدارک موجود، روابط بازرگانی ایران و هند توسعه فراوان یافته بود و کشتی‌های تجارتی دو کشور، از طریق

مسیرهای دریایی در رفت‌وآمد بودند و کالاهای ذی‌قیمت و باارزش هندوستان را وارد و به غرب منتقل می‌کردند. درحقیقت ایران گذشته از ارسال کالاهای خود به غرب و شرق، واسطه‌ای بود برای دریافت کالاهای چینی و هندی و ارسال آن‌ها به غرب. تاپلیال مورخ هندی معتقد است که بیشترین و ماندگارترین اثر در بین عوامل خارجی، ایرانیان هستند و اشاره می‌کند که به‌دلیل تسلط سیاسی حکومت ساسانی در منطقه، گسترش روابط تجاری را به‌دنبال داشته و مردم هند از غذا، پوشاک و لوازم خانه یا واردات ایرانیان استقبال می‌کردند و مورد استفاده قرار می‌دادند و این خود نفوذ فرهنگی و اقتصادی ایرانیان را در پی داشت (Thapliyal, 1979:166-9). پورگر (یا دورگز) به حجاری غار اجاتنا اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که تصاویر مربوط به پذیرایی پولاکسین دوم از سفیران خسرو انوشیروان است و نیز معتقد است، سفیران ایرانی به‌دلیل نزاع بین گوپتاها و حکومت هرشه می‌بایست از مسیر دریا به آنجا رفته‌باشند و نیز از این موضوع نتیجه می‌گیرد که روابط دریایی ایران و هند در زمینه‌های مختلف برقرار بوده‌است (Durgess, 1879: 22). در زمان حکومت خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م) روابط ایران و هند بیش از گذشته توسعه و گسترش یافت و سفرای متعددی بین دو کشور مبادله شد، رفت‌وآمد بین اتباع دو کشور بیشتر شد و دانشمندان و علمای ایران و هند ارتباطات بیشتری پیدا کردند. «کریستن‌سن» اشاره می‌کند که انوشیروان به جنگ پادشاه هند رفت و آن پادشاه از در اطاعت درآمد و نواحی مجاور عمان را که در زمان بهرام‌گور به ایران داده‌شده‌بود، بدون جنگ دوباره مسترد داشت (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۴۹۵). خسرو انوشیروان در جنگ با هیاطله یا هون‌های سفید با خاقان بزرگ متحد شد و موفق به شکست هیاطله و جیحون سرحد شمالی ایران شد و باختر و طخارستان در شرق باختر و زابلستان و رخیج جزء متصرفات ایران درآمد و مملکات ایران در هند که به‌واسطه فشار هیاطله موقتاً از تصرف ایران خارج شده‌بود، در این زمان به ایران عودت داده‌شد و سند و پنجاب جزو ایران شد (مشکور، ۱۳۴۱: ۴۴). در «مروج‌الذهب» نقل شده‌است که شاه هند به پادشاه ساسانی نوشت: «از پادشاه هند و بزرگ بزرگان مشرق و صاحب قصر طلا با درهای یاقوت و مروارید به برادرش پادشاه ایران صاحب تاج و درفش، خسرو انوشیروان، ...» این عبارات نشان از یک ارتباط متقابل بین ایران و هند در این زمان است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱۳۲). مسعودی هدایایی را که از سوی هند به دربار خسرو رسیده‌بود، برمی‌شمرد (همان: ۲۶۴).

حفاری‌های که در سیراف خلیج فارس صورت گرفته‌است، نشان می‌دهد که در آن زمان ساسانیان از یک بازرگانی دریایی پیشرفته برخوردار بوده‌اند که دامنه آن تا اندونزی گسترش یافته‌بود (براون پی، ۱۳۶۳: ۲۵).

ژوستی نین امپراتور روم شرقی که معاصر با انوشیروان بود، بارها سعی کرد شرایط تجاری را تغییر دهد و بدون مداخله بازرگانان ایرانی با هندیان وارد معامله شود و یکی از نگرانی‌های دولت روم در طول دوره امپراتوری ساسانیان همین موضوع بود. تجار هندی به سبب همکاری مداوم و دوستی با ایرانیان و شاید قدرت دریایی ایرانیان در آب‌های منطقه، تجارت با ایرانیان را بر دیگران ترجیح می‌دادند. ژوستی نین با پادشاه حبشه متحد شد تا شاید بتواند مستقیم با هند ارتباط برقرار کند؛ اما باز به دلیل قدرت ناوگان دریایی ایران موفق نشد و منافع به دست آمده از بازرگانی با هند همچنان نصیب سوداگران ایرانی می‌شد و کالاهای باارزش هند و شرق دور توسط ایرانیان و با نرخی که آن‌ها تعیین می‌کردند، به فروش می‌رسید. یکی از این راه‌های بزرگ و مشهور، راه ابریشم بود که ایران ابریشم چین را دریافت و به غرب ارسال می‌کرد (آذری، ۱۳۶۷: ۱۴۲). بنا بر نوشته «کوسماس ایندیکو پلوستس»، که سیاح و جغرافی‌نویس هندی بوده‌است، کشتی‌های پارس به بندرهای سیلان می‌آمدند و پارسیان واسطه دادوستد چین و غرب بوده‌اند (مشکور، ۱۳۴۷: ۴۹۸).

پیداشدن سکه‌های ساسانی در قسمت‌های شرق جاده ابریشم در ناحیه ترکستان چین متعلق به شاپور دوم، اردشیر دوم، شاپور سوم، هرمز چهارم و خسرو پرویز به وجود تجارت میان ایران و چین در زمان ساسانیان از طریق جاده ابریشم دلالت می‌کند. از قرن ششم میلادی به بعد با توسعه تجارت دریایی ساسانیان، تجار ایرانی از طریق اقیانوس هند به بندرهای جنوبی چین به خصوص کانتون راه یافتند و کشف سکه‌های ساسانی در این بندر نمایانگر این واقعیت است که تجارت شرق و غرب، چه از طریق دریا و چه از طریق خشکی در انحصار تجار ساسانی بوده‌است (رائین، ۱۳۵۰: ۲۵۲). یکی از اتباع چین به نام «ای چنگ» که در سال ۶۷۱ م با کشتی پارسی به نام «پوسه» در دریا سفر کرده‌است، می‌نویسد: «در آغاز پاییز به شهر کوانتون آمدم و آنجا روز و تاریخ حرکت خود را با دارنده یک کشتی پوسه (پارسی) برای سفر به سوی جنوب تعیین کردم» (همان: ۲۵۳). ساسانیان علاوه بر راه خشکی (ابریشم)، از راه دریا نیز با چین ارتباط داشتند که این ارتباط با واسطه هندوستان صورت می‌گرفته و بعدها در اواخر عهد ساسانی رابطه مستقیم دریایی نیز بین

ایران و چین به‌وجود آمد و ساسانیان وقتی که از راه ابریشم به‌واسطه حملات اقوام بین راه مثل هفتالیان (هون‌های سفید) ناامن می‌شدند، از راه دریا استفاده می‌کردند (همان: ۲۵۲). «کریستن‌سن» می‌نویسد: «تجارت خشکی در راه‌ها و کاروان‌رو قدیم صورت می‌گرفت. شاهراه بزرگ از تیسفون که پایتخت بود، شروع می‌شد... یکی به همدان می‌رسید، دیگری به سمت جنوب از خوزستان و فارس گذشته به خلیج فارس می‌پیوست و دیگری به ری می‌رفت و به بحر خزر منتهی می‌شد یا از راه خراسان و دره کابل به هندوستان انتقال می‌یافت و راهی نیز از ترکستان و صوفه تا ریم به چین می‌پیوست (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۳۶۷).

نقش خلیج فارس در تجارت بین ایران و هند عصر ساسانی بسیار بااهمیت بود. کالاهای هندی تا پیش از هجوم هفتالیان از راه‌های شمال و مرکزی ایران و نیز از طریق خلیج فارس به نواحی آسیای غربی و امپراتوری روم می‌رسید و پس از پیدایش اغتشاش در سرزمین‌های شمالی و هجوم اقوام بین راه و بسته‌شدن راه‌های شمالی کشور خلیج فارس همچنان شاهراه اصلی میان شرق و غرب باقی‌مانده‌است. طبق متون سومری و اکدی، رفت‌وآمد بازرگانی از اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در خلیج فارس برقرار بوده‌است. این متون نشان می‌دهد که از این راه مردم بین‌النهرین مس و چوب، عاج و سنگ‌های قیمتی و حتی پیاز وارد می‌کردند و در نیمه اول هزاره پیش از میلاد آشوریان از همین راه برای کارهای بازرگانی خود استفاده می‌کرده‌اند (ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۴۲). هخامنشیان از موقعیت استراتژیک تنگه هرمز در خلیج فارس بهره فراوانی بردند و ناوگان دریای خود را برای کشف راه‌های دریای پیونددهنده هند و مصر به ایران و خلیج فارسی گسیل کردند. سیستم قنات در دوران داریوش شاه هخامنشی ۴۸۲-۵۲۱ ق.م به عمان و کرانه‌های جنوبی خلیج فارس معرفی شد (مجته‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۹). ایرانیان عصر اشکانیان (۲۷۰-۲۲۴ م) پیشرفت چشمگیری در کار دریانوردی داشتند و بندرهای پروتقی در کرانه‌های شمال و جنوب خلیج فارس ساختند. آثاری که آنان در دریانوردی انسان متمدن بر جای گذاشتند، فراوان و هنوز هم قابل تشخیص است. نه تنها آنان راه‌های دریانوردی را کشف و بر روی نقشه آوردند و راه‌نامه‌ها (راه‌نامج عربی) را درست کردند و ناوهای استواری را برای دریانوردی به آب‌های خاورزمین افکندند؛ بلکه برخی نام‌های فارسی را در کار دریانوردی به‌کار می‌گرفتند که همچنان در زبان‌های خاور و باختر گیتی زنده‌اند. چنان که هنوز نیز عرب‌ها «راه‌نامک» دریایی در پارسی باستان را «راه‌نامج» و «سوکان» را «سکان» می‌گویند و هنوز هم واژه پارسی «بار» به معنی «بندر»

را می‌توان در پی نام‌هایی چون «زنگ‌بار+ بار» و «مالا+ بار» و غیره جست‌وجو کرد. هنوز هم اروپاییان نیروی ناوی را (Navy) می‌گویند. سکونت ایرانیان در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در دوران پارتیان گسترش بیشتری گرفت و حکومت ایرانیان بر این کرانه‌ها در دوران ساسانیان استحکام فراوانی پیدا کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۸۲).

در دوران پادشاهی اردشیر بابکان (۲۴۱-۲۲۴ م) نخستین مهاجران عرب به کرانه‌های خلیج فارسی روی آوردند. شاهپور دوم (۳۲۵-۳۰۹ م) اعراب مهاجر را شکست سختی داد و مهاجرت عرب‌ها به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس را متوقف ساخت. دکتر «ویل کینسن» که از عمان‌شناسان بسیار معتبر است، با استفاده از اسناد کهن همچون تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و شماری از اسناد چاپ‌نشده محلی، شرح گسترده‌ای درباره چگونگی حکومت ایرانیان بر عمان و کرانه‌های مسندم در روزگار ساسانیان دارد. ایرانیان حکومت مستقیم در بخش داخلی مازون (عمان) و در بخش کرانه‌های خلیج فارس را استمرار بخشیدند. خسرو پرویز ساسانی برای استحکام بخشیدن به حاکمیت تاریخی ایرانیان در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، سازمان حکومتی را دگرگون ساخته و سازمان نوینی را زیر نظر دوطبقه نظامیان و زمین‌داران به وجود آورد. این دوطبقه را آن هنگام در منطقه، «اسواران» و «مرزبانان» می‌خواندند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۸۴).

تعداد مدارک موجود حاکی از این است که در دوره ساسانیان، رفت‌وآمد بازرگانی در خلیج فارس از رونق بیشتری نسبت به دوره‌های قبل داشته‌است. سبب این برقراری و رونق رفت‌وآمد در درجه اول، سیاست فرمانروایان ساسانی بود. اردشیر بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی، بندرهایی در سواحل خلیج فارس و در کنار رودخانه‌هایی که به این خلیج می‌ریخت، احداث کرد. یکی از این بندرها، «رواردشیر» نام داشت که در ایالت فارس بود. دیگری ارمزد اردشیر بوده که در ناحیه اهواز قرار داشت و بازار اردشیر در ساحل شبه‌جزیره عربستان برابر با جزیره بحرین احداث شده بود. «وانیشتابار اردشیر» (ابله جدید یا بصره) نیز از تأسیسات اردشیر بود. خاراکس، فرات در خوزستان و استرآباد و بهمن‌اردشیر در سلوکیه و به‌اردشیر نیز به این شاهنشاه نسبت داده شده‌است. مدارک مطمئن‌تر و دقیق‌تری که راجع به بازرگانی در اقیانوس هند از راه خلیج فارس به دست ما رسیده، مربوط به دو قرن اول پیش از ظهور اسلام است (ویلیامسون، ۱۳۵۱: ۱۴۴).

خسرو دوم از راه خلیج فارسی لشکری به هندوستان فرستاد و پادشاه هند در سند و تمام کشورهایی که در شمال و جنوب این ناحیه قرار داشتند، با شاهنشاه ساسانی عقد صلح بستند.

گسترش سیاسی و بازرگانی در توسعه فعالیت کلیسای مسیحی در ایران نیز منعکس است. در آخرین قرن قبل از ظهور اسلام، یک مرکز مذهبی نستوری در جزیره سیلان برقرار شد و در تمام ساحل اقیانوس هند و حتی نقاطی از شرق دور، مانند مالزی مالابار و کالانینان نزدیک بمبئی و نقاط دیگری در مغرب از جمله اسکوتاری نزدیک استامبول کلیساهای مسیحی برپا شده بود. بندر ابله در نزدیکی بصره امروزی، یکی از مراکز مهم بازرگانی هند با جهان غرب بود و از لحاظ اهمیتی که از این جهت داشت، طبری آن را فرج‌الهند (دروازه هند) می‌نامد و محصولات و مصنوعات هندی چون عود و صندل و مشک و کافور زنجبیل و فلفل، فوقل، نیلوفر و هل، دارچین، هلیج و بلاذر، شکر، نارگیل، انبه و پنبه، کرباس، منسوجات پنبه‌ای، چوب ساج و سنگ سنباده، الماس، مروارید، همگی در جهان آن روز شهرت تمام داشت و هنوز اغلب آن‌ها به نام‌های اصلی هندی در ایران و کشورهای دیگر جهان معروف‌اند (مجتبایی، ۱۳۵۸: ۶۷).

«امیانوسو مارس‌لینوس» (Ammianus marcellinus) رومی که در سال ۳۶۳ در لشکرکشی «ژولیانیوس» (Julianus) امپراتور روم به ایران آمده بود، می‌گوید که در آغاز پاییز آن سال، بازار بزرگی در شهر «بتنه» (Batne) در نزدیکی ساحل فرات برپا شده بود که در آن کالاهای هندی و چینی فراوان به فروش می‌رفت. به گفته حمزه اصفهانی، در قرن پنجم میلادی در حیره نیز چنین بازارهای هر سال تشکیل می‌شد (همان). «رینود» (Reinaud) محقق فرانسوی می‌گوید: ایرانیان رفته‌رفته نیروی دریایی عظیمی تشکیل دادند. کشتی‌های ایران متوالی در همه دریاهای مشرق سیر می‌کردند. در آغاز کار آن‌ها رقابت با کشتی‌های رومی و حبشی بود؛ ولی بعد صاحب‌اختیار آن دریاها شدند و نفوذی که ایرانیان در دریا حاصل کردند، یکی از عللی بود که قدرت و شهرت روم را در دریاهای مشرق متزلزل و به کلی خاموش کرد (امام‌جمعه، ۱۳۵۸: ۵۷).

«وایت هوز» پژوهشگر انگلیس که از طرف انجمن انگلیس مطالعات ایرانی، در خرابه‌های بندر سیراف در خلیج فارس کاوش می‌کرد، درباره بازرگانی دریایی ساسانیان مقاله مفصلی نوشته است و به نقل از شاهدان عینی آن عهد از جمله «پروکوپیوس» مورخ بیزانسی و نویسندگان قرون پنج و شش میلادی و نوشته‌های «کازماس» کشیش نستوری که در سال ۵۲۲ م مطالبی نوشته است، ثابت می‌کند که بازرگانی گسترده‌ای در خلیج فارس برقرار بوده است و روابط تجاری غرب و شرق از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت. قدرت اول این منطقه، ناوگان دریایی ساسانیان بوده است. او معتقد است که خط کشتی‌رانی سیراف-کانتون در زمان ساسانیان پی‌ریزی شده و نشان‌دهنده

تجارت ایرانیان با چین است. واژه‌های «پوسا-پوسو» (Po-sa-po-su) یعنی «پارسه»، در نوشته‌های قرون چهارم تا هشت میلادی از وجود کلنی‌های بازرگانی ایرانی در کنتون حکایت دارد و همچنین او معتقد است که همان‌طور که در سده چهار میلادی، اردشیر کنترل بازرگانی خلیج فارس را در دست داشت با همان جدیت، سیصد سال بعد خسرو اول بر تجارت دریای هند تسلط داشت. اولین ذکری که از کشتی‌های ساسانیان در اقیانوس شده، در «تاریخ پالادیوس» است که در قرن چهارم می‌زیسته است. پس از آن در سالنامه‌های نستوری راجع به دادوستد با هند و سیلان در زمان سلطنت یزدگرد اول سخن رفته است (امام جمعه، ۱۳۵۸: ۵۵-۵۸؛ وایت هاووز، ۱۹۷۲: ۴۸).

«دریای اریتره» (Erythrean sea) در عصر ساسانی تحت‌سیطره بازرگانان ایرانی بود. مرکز این تجارت در «ابله یا اوبولا» (Ubullah- Obollah) در خلیج فارس، «باری گازا» در جنوب گجرات و «سری لانکا» (سری اندیب) در جزیره روبیز (Rubies) قرار داشت. بازرگانان از شرق و غرب در این مناطق همدیگر را ملاقات می‌کردند. دیگر مسیرهای تجاری دریایی شامل بندرهای دریای سرخ، مصر و مدیترانه بود. بندرهای «ثانا» (Thana)، «سوپارا» (Sopara) در غرب بندر هند، نقشی اساسی در تجارب بین غرب و شرق بازی می‌کردند. سیاح «جینی فاهین» (Fa-Hien) به حضور دریانوردان و بازرگان ایرانی در سری لانکا اشاره می‌کند. همین‌طور «کاسموس» (Cosmas) به رفت‌وآمد تجار ایرانی در جاده ابریشم و ورود تجار ایرانی به بندرهای سری لانکا در عصر ساسانی اشاره دارد و از نقش واسطه تجار ایرانی در انتقال کالا از چین به روم سخن به میان می‌آورد و از تلاش بیهوده روم در جهت ارتباط مستقیم با چین و قطع واسطه‌گری ساسانی اشاره دارد. در قرن شش میلادی، بازرگانان ساسانی با جزایر مالابار در هند در ارتباط بودند و به بندر «کالیان» (Kalyan) نزدیک شهر امروزی بمبئی در جزایر کنکان در رفت‌وآمد بودند. از دیگر مناطق تجاری آن عصر می‌توان از «جزیره سکوترا» (Socotra) که به زبان سانسکریت آن را «دویپا سوخاتارا» (Dvipa Sukhatara) می‌نامیدند، اشاره کرد (Maloni, 2002: 213-215).

بازرگانان ایرانی در قرن ششم میلادی بر بازارهای مکاره هند حکومت می‌کردند و حکومت ساسانی از حوزه فعالیت آن‌ها تا عدن و سیلان پشتیبانی می‌کرد (وایت هاووز، ۱۹۷۲: ۵۴)؛ اما تمرکز قدرت و سلطه ساسانیان پیش از هر جای دیگر در آب‌های شرقی بود و همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در سال ۵۲۸ م، فرستادگان «راج پولاکسین دوم» مهاراجه دکن نزد آن‌ها رفتند. نتیجه آنکه

در دوره حکومت ساسانیان، روابط بازرگانی چشمگیری بین ایران و هند برقرار بود. تصور می‌رود در این دوره، راه‌های دریایی به تدریج اهمیت بیشتری پیدا کرده بودند و درحقیقت سیادت دریایی منطقه به طور کلی در دست ایرانیان قرار گرفت؛ سیادتی که در سایه آن کشتی‌های تجارتهای ایران و هم‌پیمانان آن، از عرب‌ها و هندی‌ها به آزادی کامل به حمل و نقل کالا می‌پرداختند (Majumdar, 2001:50-60). بعضی از منابع اشاره کرده‌اند که ساسانیان به دلیل مذهبی، از دریا و دریانوردی پرهیز می‌کردند و به علت مقدس داشتن عنصر آب، از پا گذاشتن به دریا و سفر دریایی بر حذر بودند. در مادیگان هزارستان که در سده چهارم میلادی به دستور «آذر پاد سپند» در مقام اندرز به پسرش زرتشت نوشته است، محاسن خاص یک روزهای ماه زرتشتی را به تفصیل شرح داده و می‌گوید که دهمین روز هر ماه که روز اوان (آبان) نامیده می‌شود، برای سفر دریای، آبیاری و حفر قنوات، پاک کردن آب چاه‌ها، غرس درختان و کاشتن ذرت مبارک و میمون است. همچنین طبق نوشته کتاب «کارنامه اردشیر بابکان»، در عصر ساسانیان هنگامی که اردشیر بابکان به خلیج فارس آمد و اقیانوس را پیش چشمان خود دید، یزدان را سپاس گفت و آن مکان را «تخت اردشیر» نامید و فرمان داد که آتش و هرام در ساحل دریا بر تخت شود و فروزان بماند (فروه‌وشی، ۱۳۵۴: ۴۷). دریا یک آفریده اهریمنی نبوده و دین زرتشتی که ساسانیان بدان معتقد بودند، هرگز با دریا و دریانوردی مخالف نبود و ساسانیان با ایجاد قدرت دریایی در خلیج فارس، قدرت درجه یک منطقه شدند و تمام تجارت غرب و شرق را تحت کنترل و سیطره خود داشتند.

از سکه‌های طلای به دست آمده از کوشانیان، پیشرفت اقتصادی و آبادی این کشور پهناور بیشتر بر مبنای بازرگانی میان دنیای شرق و غرب بود. این تجارت از دو طریق زمینی و دریایی انجام می‌گرفت. یکی بر کناره دریایی خزر از سرزمین اشکانیان می‌گذشت و دیگری از راه دریایی بود که از طریق بحر عمان. در چنین وضعی به قدرت رسیدن ساسانیان از نظر آنان تهدیدی به حمل و نقل آزاد و اجناس و تجارت آنان محسوب می‌شده است؛ به همین دلیل طبیعی بود که برای حفظ آن موقعیت، کوشش و تقلا کنند تا تجارت بین‌المللی مختل نشده و همچنان در دستشان پایدار بماند؛ ولی آنچه که می‌خواستند، جامه عمل نپوشید. تحول بزرگی که در پی تفوق ساسانیان پدید آمد، تاریخ آسیای مرکزی را دگرگون کرد و سهم آن‌ها را در بازرگانی جهان آن روز نیز تغییر داد (حسن‌دانی، ۱۳۵۸: ۴۳). در دوران یزدگرد سوم (۶۲۲-۶۵۱ م) ایران دچار جنگ و نزاع با روم و به خصوص دشمنان تازه نفس یعنی اعراب شد و حکومت قدرتمند ساسانیان توسط اعراب

تازه‌مسلمان منقرض شد. در نوشته‌های هندی قرن‌های هفت و هشتم میلادی و آثار مورخان دوره‌های بعد، دیده می‌شود که پس از زوال شاهنشاهی ساسانی هنوز آثار حکومتی ایرانی در نواحی غربی سرزمین هند وجود داشته‌است (Majumdar, 2001: 284).

پس از ساسانیان و عصر اسلامی روابط بازرگانی بین ایران و هند همچنان براساس پایه و سابقه قبل ادامه یافت و بندر سیراف در خلیج فارس کانون مهم دادوستد کالاهایی بود که از چین و هند می‌آمدند؛ کالاهایی از قبیل ادویه‌های گوناگون، چوب، سنگ‌های پربها و عاج به این بندر وارد و سپس این کالاها نه تنها به داخل ایران، بلکه به دیگر کشورهای جهان فرستاده می‌شد (امام جمعه، ۱۳۵۸: ۵۷). مسعودی مورخ اسلامی می‌نویسد که: دریای هند حدود منصوره و مولتان به خراسان و سند پیوسته است و کاروان‌های بین هند و سند و خراسان و زابلستان در رفت‌وآمد هستند (مسعودی، ۱۳۷۴: ۷۵).

۳- نتیجه

در عصر ساسانیان به‌ویژه خسرو اول و دوم که ارتباطات با دنیای خارج گسترده بود، ایران حداکثر بهره را از تمدن شرق به‌ویژه هند برد. هند در نظر ساسانیان سرزمین عجایب و مرموزی توصیف می‌شد؛ بنابراین تردیدی نیست که شاهان ساسانی در پی دستیابی به کشور هندوستان و بهره‌جستن از امکانات آنجا بودند. ساسانیان شرق را به‌عنوان هم‌پیمانان سستی خویش می‌پنداشتند. رقابت‌های دولت جنوبی از سلسله چالوکیه با پادشاهان شمال، زمینه‌های ارتباط بیشتر هندیان با ساسانیان را فراهم کرد. سلسله چالوکیه سعی در ایجاد رفاه و آسایش برای مردم خود بود و سُفرایی به همسایگان خود فرستاد و سعی بسیار داشت تا با ایران روابط سیاسی و تجاری برقرار کند. تصویر غار شماره یک اجانتا در اورنگ‌آباد، تصاویر سُفرایی ایرانی را به‌صورت رنگی به تصویر کشیده‌است. این نگاه پادشاهان هندی عصر ساسانی و تفکرات و اعتقادات آن‌ها با توجه به اصل «اهیمسا» (Ahimsa) و «ساتایا گراها» (Satayagraha) با پایبندی به اصل مدارا، عدم‌خشونت و بردباری در برابر عناصر فکری بیگانه و پیشرفت کانون‌های علمی چون تاکسیلا، اوجین و اجانتا شرایط بسیار مناسبی در اختیار ساسانیان قرارداد تا بازرگانان و دیپلمات‌های آن‌ها در غرب و شرق هندوستان در رفت‌وآمد باشند. زمانی که روابط ایران و روم عصر ساسانی همراه با جنگ، عدم‌احترام و اعتماد شکل گرفته‌بود که جز تباهی و فقر و سختی برای مردم و حکومت‌ها نتیجه دیگری نداشت. در شرق به‌ویژه هندوستان، تعاملات سیاسی در خدمت

پیشرفت ارتباطات تجاری و فرهنگی قرار گرفت و موجب رفاه و آسایش مردم شد که اثرات آن سال‌های متمادی و حتی تا عصر حاضر جاری و ساری است. در عصر خسرو اول و دوم ساسانی، بیش‌ترین و مستحکم‌ترین روابط اقتصادی که نتیجه عوامل مثبت سیاسی و فرهنگی بود، روابط اقتصادی با هند برقرار بوده و به‌عنوان عصر طلایی روابط ایران و هند از آن یاد می‌شود. راه ابریشم و خلیج فارس مهم‌ترین راه‌های ارتباطی بازرگانی بین شرق و غرب بود و ایران عصر ساسانی حداکثر استفاده را از این شرایط برد. سکه‌های به‌دست‌آمده از شاهان ساسانی در هند شاهد این مدعا است. اقتدار و قدرت گسترده خسرو اول و دوم و ثبات نسبی در داخل و خارج مرزهای ایران و ایجاد رقابت بین دو قدرت بزرگ شمال و جنوب هند، توانست در کنترل راه‌های تجاری شرق، دیپلماسی فعال‌تری نسبت به رقیب دیرینه غربی خود یعنی روم برقرار کند. در نهایت این‌طور می‌توان بیان کرد که وقتی روابط سیاسی براساس احترام متقابل ایجاد شود، روابط اقتصادی و فرهنگی فعال‌تر و گسترده‌تری را به‌دنبال خود خواهد آورد. امید است سیاستمداران امروزی با استفاده از تجارب تاریخی و علم جامعه‌شناسی تاریخی، راه‌حل مشکلات امروزی و آینده‌ای بهتر را در ریشه‌های تاریخی ملت‌ها جستجو کنند و از اشتباهات گذشته پند گرفته و ملت‌های خود را محکوم به تکرار حوادث تلخ تاریخی نکنند.

۴- منابع

- ۱- آذری، علاءالدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲- _____، روابط ایران و هند، در عهد باستان، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۳۵، صص ۱۴۶-۱۰۹، ۱۳۵۰.
- ۳- آیرین، فرانک؛ دیوید براونستون، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، جلد ۱، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
- ۴- ابن‌اثیر، عزالدین، تاریخ‌الکامل، ترجمه سید حسین روحانی، جلد ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰.
- ۵- امام‌جمعه، جلال، نقدی بر مقاله پرفسور احمد حسن دانی، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۱۷، شماره ۲۰، صص ۵۹-۵۴، ۱۳۵۸.

- ۶- براون، پی، آر، آل، پارت‌ها و ساسانیان، تاریخ میراث ایران، ترجمه اردشیر زندنیا، تهران: ۱۳۶۳.
- ۷- بلعمی، تاریخ بلعمی، به تصحیح محمدتقی بهار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- ۸- بیانی، شیرین، نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ۶، شماره ۳، ۱۳۵۰.
- ۹- پیرنیا، حسن، ایران باستان و داستان‌های قدیم ایران، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۱۰- تاراچند، روابط هند و ایران، مجله تحقیقات فارسی بیاض، سال ۹، شماره ۱، انجمن فارسی دهلی، صص ۱۵۴-۱۳۸، ۱۹۸۹.
- ۱۱- حسن‌دانی، احمد، چشم‌انداز تازه‌ای درباره برخورد میان ساسانیان و کوشانیان، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۱۷، شماره ۲۰، صص ۵۹-۴۳، ۱۳۵۸.
- ۱۲- رائین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان، جلد یک، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۳- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش ناهید فرشاد مهر، چاپ یک، تهران: نشر محمد، ۱۳۷۷.
- ۱۴- فره‌وشی، بهرام، ترجمه کارنامه اردشیر بابکان (همراه با متن پهلوی و آوانویسی و واژه‌نامه)، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۵- کریستن‌سن، آرتور، ایران در زمان ساسانی، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۴.
- ۱۶- گوئنز، میراث ایران، زیر نظر آربری، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- ۱۷- مجتبابی، فتح‌اله، ایران و هند در دوره ساسانیان، نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۱۷، شماره ۲۰، صص ۶۰-۹۱، ۱۳۵۸.
- ۱۸- مجتهدزاده، پیروز، خلیج فارس؛ کشورها و مرزها، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- ۱۹- مسعودی، علی‌بن‌حسین، مروج الذهب، جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۲۰- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان. چاپ دوم، جلد اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.

۲۱- _____، ایران و هند در پیش از اسلام، مجله نشریه آئینه هند، سال ۴، شماره ۸، صص ۳۵-۵۶، ۱۳۴۱.

۲۲- نهرو، جواهر لعل، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۲۳- وایت هوز، دیوید، بازرگانی دریایی ساسانیان، کیهان انگلیسی، تهران: بیست‌وپنج ژوئیه، ۱۹۷۲.

۲۴- ویلیامسون، آندریو، تجارت در خلیج فارس در دوره ساسانیان و در قرون اول و دوم هجری، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۵۱.

25- Bhandarkar D.R. **The Aryan immigration into eastern India** the annals of the bhandarkar oriental reaserch Institute vol 2.part.2.1931.

26- Durgess.J **the Budhist cave temple and their inscriptionst, India**, Mumbai, 1879.

27- Inostransev, C, **The emigration of the Parsis to India and the Musalman world in the middle of the century** translated by l.Bogdaniv.Jornal of the K.R.Coma oriental institute. 1922.

28- Majumdar R.C Gen.ed, **The History and Culture of the Indian people**, vol. 2, seventh ed. Bharatiya Vidya Bhavan, Mumbai.pp, 211-233, 2001.

29- Maloni. Puby, **Indo- Iran Trade Relations**,A selection of article read at the first seminar of India – Iran Relations, India, University of Mubai, 2002.

30- Ojha, K.C, **The history of foreign rule in ancient India**, Gyan, Allahabad, 1968.

31- Thapliyal Uma Prasad, **Foreign elements in ancient Indian society**, Manshiram, New Delhi, 1979.